

بررسی رابطه نوع دینداری با نگرش به عدالت اجتماعی

ابوالفضل ذوالفقاری*

سیده زهرا حسن زمانی**

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۳

چکیده

عدالت از جمله والاترین آرمان‌های انسانی است که دارای سابقه‌ای همپای قدیمی‌ترین جوامع انسانی است. از آنجایی که مردم از نظر مفهومی و وابستگی به ارزش‌ها، برداشت‌های مختلفی از عدالت دارند و تحلیل نابرابری‌های اجتماعی عینی در یک جامعه بدون توجه به بعد ذهنی و ادراکی آن می‌تواند استنتاج نادرستی به ارمغان آورد لذا در این تحقیق به سنجش نگرش دانشجویان نسبت به مقوله عدالت اجتماعی پرداخته شده است. بنابراین در این مطالعه در پی پاسخ به این سوال بودیم که آیا می‌توان نگرش متفاوت افراد نسبت به عدالت اجتماعی را مرتبط با نوع دینداری آنها دانست؟ جامعه آماری این تحقیق دانشجویان دانشگاه تهران و دانشگاه شاهد بودند که حجم نمونه با استفاده از

zolfaghariab@gmail.com

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد.

** دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد.

فرمول کوکران ۳۸۲ نفر برآورد شده است. همچنین در این تحقیق از روش پیمایشی و تکنیک پرسشنامه استفاده شده است. یافته‌ها و نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه بین نگرش به عدالت اجتماعی و نوع دینداری دانشجویان بود به نحوی که هر چه دینداری آنها عقلانی‌تر و متجددانه‌تر شود نگرش آنها به عدالت اجتماعی نیز لیبرالیستی‌تر می‌شود و برعکس هر چه دینداری سنتی‌تر شود، نگرش آنها به عدالت اجتماعی نیز سوسیالیستی‌تر می‌شود. همچنین جنس و سن نیز در شکل‌گیری نگرش به عدالت اجتماعی مؤثر می‌باشد. بطوری که نگرش زنان به عدالت اجتماعی سوسیالیستی‌تر از مردان می‌باشد و هر چه سن افراد بالاتر می‌رود نگرش آنها به عدالت اجتماعی لیبرالیستی‌تر می‌شود. در نهایت از نظر نوع نگرش به عدالت اجتماعی نیز نتایج نشان می‌دهد که اکثر دانشجویان نگرشی رالزی (دیدگاه ترکیبی) به عدالت اجتماعی داشتند.

واژه‌های کلیدی: سوسیالیسم، لیبرالیسم، عدالت اجتماعی، برابری،

فردگرایی اقتصادی.

مقدمه

عدالت مفهومی دیرینه در نظام اندیشگی و معرفتی انسان‌هاست که از دیرباز ذهن بسیاری از اندیشمندان و نظریه‌پردازان را به خود مشغول داشته است و یکی از مهم‌ترین ارزش‌های عمده جوامع بشری در طول تاریخ و در نگاه برخی از فیلسوفان سیاسی می‌باشد. مفهومی که مطلوبیت و ارزشمندی آن کمتر مورد پرسش قرار می‌گیرد و به سخن بهتر بر سر «ارزش اجتماعی» آنها توافق عام وجود دارد (گراهام،^۱ ۱۹۸۹: ۵۳). اما این که تا چه میزان درک و نگرش مشترکی از این مفهوم وجود داشته و تفسیر و درک افراد تحت تأثیر کدامین عامل بوده است، جای سؤال وجود دارد. از آنجایی که عدالت یک امر انتزاعی و ارزشی است و در بیشتر مواقع با توجه به شرایط فرهنگی -

تاریخی جامعه و ارزش‌های افراد تعریف شده و مصادیق و دلالت‌های خاص خود را پیدا می‌کند، لذا می‌توانیم انتظار داشته باشیم که برداشت‌های متفاوتی از آن وجود داشته باشد. در یک دوره تاریخی عدالت به معنای اعمال تنبیه و جزا دادن است و در دوره تاریخی دیگر، بیشتر به معنای برخورداری از منابع جامعه است. در یک مکتب سیاسی (مانند مکتب لیبرالیسم) عدالت تحت الشعاع آزادی قرار می‌گیرد و در مکتب دیگر (مانند مکتب سوسیالیسم)، عدالت بر آزادی ارجحیت دارد (حقیقت، ۱۳۷۶: ۳۷۴) و در مکتب دیگر (مانند مکتب لیبرال^۵ دموکراتیک) عدالت، آمیزه‌ای از برابری و آزادی می‌شود (هزارجریبی، ۱۳۹۰: ۴۴). برخی از افراد برابری را به معنای عدالت می‌فهمند، حال آنکه برخی دیگر، عدالت را در تحقق و لحاظ کردن «نابرابری» بین افراد جست و جو می‌کنند. برای نمونه می‌توان به تفاوت برداشت ارسطو با افلاطون در ادبیات کلاسیک عدالت یا تفاوت‌های جدی در برداشت از عدالت در عصر مدرن، بین سوسیالیست‌ها و لیبرالیست‌ها اشاره کرد.

بنابراین می‌توان دریافت که مفهوم عدالت، مفهومی برساختی است که توسط افراد جامعه ساخته می‌شود، و درک آن بستگی به اجتماع و ارزش‌ها و هنجارها و عوامل به وجود آورنده آن دارد، و همراه با دگرگونی ارزش‌ها - چه ارزش‌هایی که منشأ دینی دارند و چه ارزش‌هایی که منبعث از فرهنگ و آداب و سنن جامعه‌اند - درک ما از مفهوم عدالت و تصور ما از عدالت خواهی نیز به تدریج دگرگون می‌شود (ناقد، ۱۳۸۶: ۵). از سوی دیگر، دین در دوره‌های تاریخی مختلف و در تمام جوامع و از جمله در جامعه ما وجود داشته است. همان‌طور که درک و نگرش‌های مختلفی از عدالت وجود دارد، در زمینه دینداری هم آنچه مسلم است همه مسلمانان و دینداران یک برداشت واحد از دین ندارند، لذا انواع دینداری وجود دارد.

در اوایل قرن نوزدهم وقتی اندیشه مدرنیته وارد جامعه ایران شد، به تدریج حوزه‌های وسیعی از فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرارداد به طوری که این اندیشه باعث تغییر در بخش اعظم نگرش‌های اجتماعی گردید و چالش‌های گسترده‌ای در

حوزه‌های مختلف فکری- اجتماعی ایجاد کرد. رویارویی جامعه و بویژه دین با مدرنیته و تحول عقل در دنیای جدید باعث ظهور قرائت‌های جدید از دین شده است. گروهی از اندیشمندان مسلمان شامل سنت‌گرایان در رویارویی با مدرنیته تمایل دارند انگاره‌های مدرن و نهادهای مدرن را به طور ریشه‌ای به چالش بگیرند. گروهی دیگر که تجدد خواه خوانده می‌شوند، تمامیت مدرنیته را به عنوان تنها وسیله برای بازسازی انگاره‌های اسلامی پذیرفته‌اند اما گروه سوم تلاش دارند عناصری از مدرنیته را که مفید و سازنده و سازگار با عناصر پویای سنت می‌شناسند، برگزینند (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱۰۳-۱۰۴). همان‌طور که گفته شد، برداشت از عدالت براساس نظام ارزشی و ارزش‌های خاص حاکم بر اندیشه افراد شکل می‌گیرد. دین و دینداری نیز، به عنوان یک نظام ارزشی عمده و غالب در جامعه ما، می‌تواند یکی از عوامل مؤثر بر نگرش افراد نسبت به عدالت باشد، به گونه‌ای که حتی برخی افراد، برداشت خاصی از عدالت، یعنی مساوات طلبی، را برخاسته از اندیشه‌های دینی می‌دانند (تیندر، ۱۳۷۴: ۵۷). با توجه به این امر می‌توان گفت که همه مسلمانان در مورد مقوله‌های ارزشی به یک شیوه نمی‌اندیشند و هر کس متناسب با تفسیر و قرائتش از دین، معیارهایی را در عدالت پیشنهاد می‌کند و آن معیارها را اصول اجرای عدالت می‌داند.

بیان مساله

در جامعه ما از یک سو روشنفکران دینی (تجدد گرایان دینی) هیچ توجهی به مسأله فقر و نابرابری‌های اقتصادی ساختاری ندارند (گنجی، ۱۳۹۱: ۵) و از سوی دیگر می‌توان دید که دولت‌های گوناگون در دوره‌های مختلف حامل یک نوع دینداری بوده‌اند و مشی اقتصادی آنان و نحوه نگرش‌شان در خصوص توزیع منابع در جامعه و ایجاد عدالت با توجه به نوع دینداری‌شان متفاوت بوده است، برای مثال نوع دینداری

در دولت اصلاحات، و نگرش آنها به عدالت اجتماعی با نوع دینداری در دولت احمدی نژاد و نگرش به عدالت اجتماعی متفاوت بوده است.

در این تحقیق، از یک سو با توجه به این که افراد در جامعه دارای نگرش‌های متفاوت نسبت به ارزش‌ها و مسائل اجتماعی می‌باشند و تحلیل نابرابری‌های اجتماعی عینی در یک جامعه بدون توجه به بعد ذهنی و ادراکی آن می‌تواند استنتاج نادرستی به ارمغان آورد لذا به دنبال آن هستیم که به نگرش سنجی از افراد جامعه نسبت به مقوله عدالت اجتماعی بپردازیم. البته در این پژوهش به لحاظ این که دانشجویان از سویی پیشگام‌ترین گروه روشنفکری جامعه در اعتراض به نابرابری‌ها، بی‌عدالتی‌ها و ستم‌های حاکمیت‌های توتالیتر در سطح منطقه‌ای و جهانی هستند و از سوی دیگر داشتن نوعی قرائت از دین مستلزم سواد و دانش است، تلاش بر این است که نگرش دانشجویان مورد بررسی قرار گیرد از سوی دیگر از آنجایی که دین و مذهب با جامعه ما آمیختگی دیرینه‌ای دارد و دین در جامعه ما در سراسر تاریخ و دوران‌های مختلف وجود داشته است به همین دلیل ممکن است نوع دینداری افراد بر نگرش آنها در مورد چگونگی توزیع منابع کمیاب و با ارزش مؤثر باشد. بنابراین در این مطالعه با توجه به این که عدالت مفهومی گسترده و اسطوره‌ای است که هر کسی معنای خود را بر آن بار می‌کند و صاحبان قرائت‌های گوناگون از دین، هر کدام یک معنایی را بر عدالت بار می‌کنند، در پی پاسخ به این سوال هستیم که آیا می‌توان نگرش متفاوت افراد نسبت به عدالت اجتماعی را مرتبط با نوع دینداری آنها دانست؟

بررسی ادبیات تحقیق

پیرامون موضوع ما یعنی تأثیر نوع دینداری بر نگرش افراد نسبت به عدالت اجتماعی کار چندانی انجام نشده اما درباره این متغیرها به صورت جداگانه کارهای ارزشمندی انجام شده است که به چند مورد در ذیل اشاره می‌شود: میرسدسی

در تحقیقی با عنوان «عوامل موثر بر درک مردم از عدالت و رابطه آن با برابری (نابرابری)» به این نتیجه رسیده است که نیمی از افراد توزیع درآمد و منابع اقتصادی را ناعادلانه و یا بسیار ناعادلانه می‌دانند و مردم به یک اندازه به اصل شایستگی و نیاز اهمیت می‌دهند (میرسندسی، ۱۳۷۵). در تحقیق دیگری که علیخواه با عنوان قشر اجتماعی و گرایش به عدالت و آزادی انجام داده است به این نتیجه دست یافته است که بین بنیادگرایی و گرایش به عدالت و آزادی تفاوت معنادار وجود دارد. یعنی هر چه میزان بنیادگرایی فرد افزایش یابد گرایش او به آزادی کمتر و به عدالت بیشتر می‌شود. در زمینه دینداری حبیب زاده به بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان پرداخته است که نتایج تحقیق نشانگر این است که سه نوع دینداری شریعتی، اجتماعی و باطنی در بین دانشجویان وجود دارد. محبی نیز در تحقیقی با توجه به انواع دینداری‌ها، میزان اخلاق کار را مدنظر قرار داده است. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که میزان اخلاق کار در بین تجددگرایان و اسلام‌گرایان رادیکال بیشتر است. این تحقیق از این جهت که در بررسی انواع دینداری از الگوی ویلیام شپرد استفاده کرده است به تحقیق فعلی ما نزدیک‌تر می‌باشد.

چارچوب نظری پژوهش

به طور کلی بحث پیرامون رابطه دین با عدالت از مباحث بنیادینی است که ذهن اندیشمندان و نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی را به خود مشغول کرده است. یکی از این نظریه‌پردازان کلیفورد گیرتس^۱ (۱۹۲۶) است. از نظر وی دین، به عنوان بخشی از یک نظام فرهنگی با سه تجربه سردرگمی، رنج و شر که جهان را تهدید به بی‌معنایی می‌کند سرو کار دارد و می‌کوشد با توضیح پذیر ساختن رخدادها و تجربه‌های نابهنجار و ارتباط دادن این مسائل با قلمرو گسترده‌تری از واقعیت، آنها

۱. Killiford, Geertz

را توجیه کند. همچنین دین بر آن است تا نشان دهد که این رخدادها مانند تجربه نابرابری و بی‌عدالتی، تنها به ظاهر وجود دارند و اگر انسان نظر گسترده‌تری به آنها داشته باشد، در می‌یابد که حتی همین بی‌عدالتی‌ها نیز الگوی معنی‌داری دارند و حتی شیوه بسیار رایج در توجیه این واقعیت‌ها، این ادعا است که بی‌عدالتی‌ها در این جهان با دادگری در جهان دیگر جبران خواهد شد (همیلتون، ۱۳۷۷: ۲۷۴-۲۷۸).

پیتر برگر^۱ نیز کار دین را مشروع ساختن و درک پذیر ساختن تجاربی که ممکن است باعث از هم گسیختگی اجتماعی و نابسامانی شوند، می‌داند که به پیروی از وبر، تبیین این تجربه‌ها را توجیه مذهبی می‌نامد. یکی از این تجربه‌ها، تجربه بی‌عدالتی و نابرابری است. دین از طریق توجیه مذهبی می‌تواند پذیرش این تجربه‌ها را برای افراد آسان‌تر کند. به قول برگر «دین یکی از موثرترین دژهای بشر در برابر بی‌هنجاری بوده است که کارش حفظ یک برداشت سامانمند و معنی‌دار از واقعیت است» (برگر، ۱۹۷۳: ۹۴، به نقل از همیلتون، ۱۳۷۷).

از نظریه پردازان در این زمینه استارک و بین بریج^۲ اند که نظریه شان بر نظریه تبادل متکی است. آنها معتقدند هنگامی که انسان نتواند آرزوهایش را به دست خودش برآورده سازد، دین کوششی است برای برآوردن آرزوها و یا بدست آوردن پاداش‌هایی که همیشه به دست آوردنی نیستند. در غیاب پاداش بالفعل، انسان عامل جبران‌کننده‌ای را اختراع می‌کند و می‌گوید که طرف‌های مبادله فراطبیعی وجود دارند که می‌توانند این آرزوها را برآورده سازند. اگر دین نتواند جبران‌کننده‌های خاص فراطبیعی برای انسان‌ها فراهم کند، چنین دینی نمی‌تواند مصیبت را برای انسان‌ها معنی‌دار کند و این مسأله باعث نزول شدید حمایت از این دین می‌شود. با توجه به این مباحث در نظریه استارک و بین بریج می‌توان گفت که در زندگی

. Berger , Petter

. Stark & Bainbridge

محرومیت‌ها و رنج‌هایی مانند نابرابری و مرگ وجود دارد و افراد برای جبران این رنج‌ها و جلوگیری از بی‌معنایی، به جبران‌کننده‌های دین روی می‌آورند که تحمل این رنج‌ها برای آنها امکان‌پذیر شود (همیلتون، ۱۳۷۷: ۳۲۳-۳۲۴).

ماکس وبر نیز می‌پذیرد که میان دین و رنج پیوند بسیار نزدیکی برقرار است. به نظر وی، دین با یک «توجیه الهی» که از رنج می‌کند، یکی از نیازهای ژرف و عام بشر را برآورده می‌سازد. نیاز شدید به این احساس دارند که تفاوت آنها بر مبنای استحقاق و عدالت استوار است و رنج و بدبختی شان جنبه تصادفی نداشته بلکه جزئی از یک الگوی معنی‌دار و نظم عادلانه می‌باشد. وبر معتقد است که دین اساساً پاسخی است به دشواری‌ها و بی‌عدالتی‌های زندگی و می‌کوشد تا نشان دهد که بی‌عدالتی‌های آشکار جهان تنها ظاهری‌اند، در نتیجه انسان‌ها را قادر به کنار آمدن با آنها می‌سازد (همان، ۱۳۸۱: ۲۴۱). وبر در اثر معروف خود «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری»، معتقد است که «ریاضت‌گرایی مذهبی این تأمین آرام‌بخش را بوجود آورد که توزیع نابرابر اشیاء مادی موهبت خاص از جانب پروردگار است و تفاوت‌های طبقاتی مقاصدی پنهانی و ناشناخته دارد.» (وبر، ۱۳۸۱: ۱۵۸).

اما نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار داد این است که در مطالعه رابطه دین یا دینداری با عدالت باید به رابطه نوع برداشت یا تفسیر و قرائت افراد از دین و نگرش آنان به عدالت اجتماعی پرداخت. به این منظور در این تحقیق از نظریه رالز و کانت به عنوان چارچوب نظری برای تبیین این رابطه استفاده شده است. رالز^۱ (۲۰۰۲-۱۹۲۱)، مهمترین فیلسوف سیاسی قرن بیستم و یکی از نظریه‌پردازان برجسته عدالت، وجود نابرابری و انباشت ثروت را تا جایی که به نفع طبقات محروم باشد، پذیرفته است. وی معتقد است کسانی که نفع بیشتری به اجتماع

۱. Rawls, John

می‌رسانند حق دارند از امکانات جامعه نیز بیشتر برخوردار باشند. وی ضمن احترام کامل به حقوق مالکیت افراد، حرکت جامعه و دولت را به سمت کاهش شکاف طبقاتی می‌داند و دولت را دولت رفاهی می‌داند که باید ضروریات اولیه افراد را تأمین کند. او همزمان به «عدالت» و «آزادی» اهمیت می‌دهد. وی عمیقاً متأثر از اندیشه‌های کانت، فیلسوف برجسته آلمانی است به طوری که او بارها نظریه خویش را نظریه‌ای کانتی می‌خواند که بر پایه تلقی کانت از فرد اخلاقی و فرمان‌های نامشروط یا مطلق شکل گرفته است (دیرباز، مهری، ۱۳۸۹: ۵۹). رالز ضمن اشاره به اصل اول عدالت خویش؛ یعنی آزادی برابر افراد و مقدم بودن آزادی‌هایی که این اصل تعریف می‌کند، مدعی می‌شود که این اصل از تفسیری کانتی از عدالت قابل استنتاج است (همان، ۱۳۸۹: ۵۷). عدالت در نظر رالز و کانت، امری فردی، عقلانی و مبتنی بر اراده انسان‌ها است به گونه‌ای که هر فرد حکم خرد ناب (عقل محض) را دارد؛ یعنی فقط به ندای وجدان خودش گوش می‌دهد و برای جلب منافع فردی خویش، از دیگران به عنوان وسیله وصول به اهداف و آمال خویش بهره‌مند می‌شود. از سوی دیگر همانطور که کانت معتقد بود، عدالت به عنوان یکی از ارزش‌های اخلاقی، یک امر برون دینی و پایه و اساس دین و دینداری و مقدم بر دین است^۱ لذا دین متکی بر اصول اخلاقی است و برای حفظ کلیت و جامعیت خود باید همواره بر عقل ناب بنا شود و دین را باید از اصول عقلانی استخراج کرد (کانت، ۱۳۷۴: ۱۶۰). بر این اساس از آنجایی که از نظر کانت عدالت یک عمل اخلاقی است و دین هم بخصوص در جامعه ما منبع اساسی هنجارگذار اخلاق و ارزش‌هاست، پس به طریق اولی می‌توان استنباط کرد که بین دین و عدالت رابطه وجود دارد. اما از دین و عدالت درک و نگرش‌های مختلفی

- در صورتی که در جامعه ما، دین مقدم بر عدالت است و اخلاق و عدالت منبث از دین و یک امر درون دینی است و دین مبنای اخلاق و در نتیجه مبنای عدالت می‌باشد.

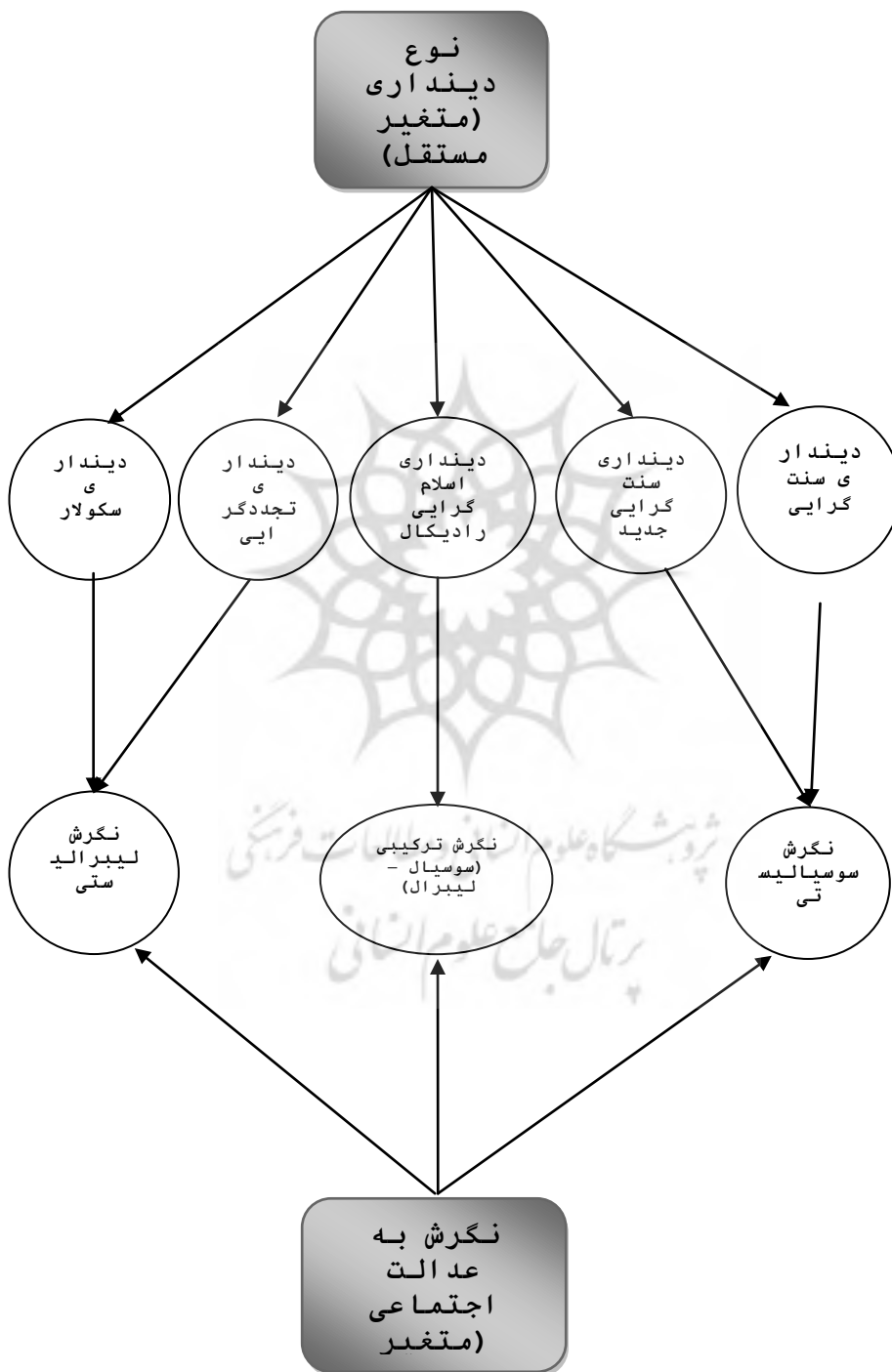
وجود دارد و همه دینداران نگرش و برداشت واحدی از دین (اسلام) ندارند، لذا انواع دینداری وجود دارد. در این خصوص از نظریه انواع دینداری ویلیام شپرد^۱ استفاده شده است. شپرد اقسام اصلی دینداری در بین مسلمانان را عبارت می‌داند از سکولاریزم^۲، تجددگرایی اسلامی^۳، اسلام‌گرایی رادیکال^۴، سنت‌گرایی جدید^۵ و سنت‌گرایی. شپرد این تقسیم‌بندی‌ها را به عنوان مقوله‌های کاملاً جدا در نظر نمی‌گیرد بلکه آنها را به عنوان نقطه‌هایی بر روی یک طیف دو بعدی قرار می‌دهد. همچنین با توجه به نظریه راسینسکی، انواع نگرش به عدالت در مجموع به سه نگرش کلی سوسیالیستی، ترکیبی (رالزی) و لیبرالیستی تقسیم شده است.

فرضیه‌های پژوهش

۱- به نظر می‌رسد بین نوع دینداری فرد و نوع نگرش او به عدالت اجتماعی رابطه وجود دارد. به نحوی که هر چه نوع دینداری افراد عقلانی‌تر باشد نگرش آنها نسبت به عدالت اجتماعی فردی‌تر (لیبرالیستی‌تر) می‌شود و هر چه نوع دینداری افراد سنتی‌تر باشد نگرش آنها نسبت به عدالت اجتماعی مبتنی بر برابری (سوسیالیستی‌تر) خواهد شد.

۲- به نظر می‌رسد بین متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس) و نگرش به عدالت اجتماعی رابطه وجود دارد.

-
- . Shepard, E. William
 - . Secularism
 - . Islamic Modernism
 - . Radical Islamism
 - . Modern Traditionalism



روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش با توجه به ماهیت و موضوع مورد مطالعه و اهداف تحقیق و امکانات اجرایی، روش پیمایشی^۱ می‌باشد. ویژگی‌های بارز پیمایش گردآوری داده‌ها و روش تحلیل آنها است. هر چند فنون گردآوری اطلاعات و داده‌ها، فنونی از قبیل مصاحبه عمیق و مصاحبه ساختمند، مشاهده و تحلیل محتوا و جز اینها نیز می‌باشد، اما مهمترین و عمومی‌ترین ابزار در جمع‌آوری اطلاعات مربوط به روش پیمایشی، پرسشنامه است (دواس، ۱۳۷۶: ۱۳) که در این تحقیق از این ابزار استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان مشغول به تحصیل در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تهران و دانشگاه شاهد در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ است که آماردانشجویان دانشگاه تهران با مراجعه به مرکز انفورماتیک آن بدست آمده که ۵۳۶۴۸ نفر است، و آمار دانشجویان دانشگاه شاهد هم با مراجعه به مرکز اطلاعات و آمار بدست آمده که ۵۴۹۲ نفر است. روش نمونه‌گیری اتخاذ شده برای پژوهش حاضر، روش طبقه‌ای متناسب است که در آن، نمونه تحقیق به گونه‌ای انتخاب می‌شود که زیر گروه‌ها در حد امکان، به همان نسبتی که در جامعه وجود دارند در نمونه نیز حضور یابند (سرایبی، ۱۳۷۲: ۱۲۸). حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۲ نفر محاسبه شده است که با استفاده از فرمول تناسب ۳۳۲ نفر برای دانشجویان دانشگاه تهران و ۵۰ نفر برای دانشجویان دانشگاه شاهد بدست آمد. در این تحقیق برای دستیابی به اعتبار ابزار سنجش، از اعتبار معیار استفاده شده است و محاسبه ضریب روایی (آلفای کرونباخ) برای هر یک از شاخص‌ها نشان داد که ابزار سنجش از پایایی مطلوبی برخوردار است. ضریب پایایی برای شاخص نوع دینداری ۰/۷۹ و برای شاخص نگرش به عدالت اجتماعی ۰/۸۳ بوده است.

متغیر وابسته: نگرش به عدالت اجتماعی^۱

منظور از نگرش به عدالت در این تحقیق، معنا و برداشتی است که افراد از عدالت اجتماعی در ذهن دارند. چنانچه مفاهیم و معانی عدالت را در سطح «جامعه» تعریف کنیم به مفهوم عدالت اجتماعی دست می‌یابیم. عدالت در سطح جامعه به معنی دادن جایگاه شایسته به هر کس و دادن حق به هر فرد ذی‌حق است. به عبارت دیگر، جامعه باید رفتار یکسانی با تمام کسانی که شایستگی یکسانی دارند، داشته باشد و هر کس در جامعه بتواند به پاداش متناسب با شایستگی خود برسد (عیوضلو، ۱۳۸۹: ۱۱).

مرنیون^۲ عدالت اجتماعی را مجموعه‌ای از حقوق و وظایف تعریف می‌کند که رابطه بین افراد و جامعه را هدایت می‌کند. رالز، عدالت اجتماعی را ضابطه‌ای عمومی برای تعیین شئون لازم الرعایه و برای ارزیابی جنبه‌های توزیعی ساختار اساسی جامعه تعریف می‌کند (مرنیون، ۱۹۸۹: ۸۴۸). ویژگی اصلی عدالت اجتماعی آن است که تحقق آن در جامعه انسانی، عملی است. از اینرو نظریه‌های مدرن عدالت بیش از همه به تفسیرهای مکانیکی و فیزیکی تغییر ماهیت داده‌اند و همین امر باعث گردیده است که نظریه‌های عدالت در حوزه اقتصاد تکامل بیشتری بیابند. عدالت اقتصادی نه تنها بخش اعظم عدالت در جامعه را در برمی‌گیرد، بلکه حتی می‌تواند به عنوان تمام جوانب عدالت اجتماعی هم نگریسته شود چرا که تمایلات، منافع، شرایط و رقابت بین افراد را می‌توان به بیان اقتصادی و براساس شاخص‌های مربوط توضیح داد (عیوضلو، ۱۳۸۹: ۱۲). یکی از مهمترین بخش‌های عدالت اقتصادی، عدالت توزیعی است. به طور کلی، مهمترین کاربرد عدالت توزیعی در تخصیص کالاها، خدمات، منابع یا در مورد اجناس کمیاب است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم موجب پیدایش خواسته‌ای رقیب می‌گردد (کولم،^۳ ۱۹۹۶: ۳۱). بنابراین، مساله عدالت اقتصادی یا توزیعی، مساله

. Attitude Towards Social Justice
. Murnion
. Kolm, S.C

استخراج قاعده‌ای برای توزیع موارد خواستنی (چیزهای مطلوب) در بین افراد جامعه است (سیلور^۱، ۱۹۸۹: ۱۳۳).

در زمینه توزیع امکانات جامعه، گرایش‌های متفاوتی وجود دارد. یکی از این گرایش‌های عمده دیدگاه سوسیالیست‌ها است که در زمینه توزیع امکانات و منابع، خواستار مساوات طلبی افراد، بدون در نظر گرفتن استعدادها و شایستگی‌های آنها می‌باشند و بر نیازهای اساسی افراد تأکید می‌گذارند. دیگری، دیدگاه لیبرالیست‌ها است که خواستار اصول تخصیص و توزیع، مطابق با ارزش‌های فردگرایی و برحسب استحقاق و شایستگی‌های افراد، می‌باشد. اما نظریه عدالت رالز از سویی از منظر لیبرالی قائل به اولویت اصل آزادی است و از سوی دیگر، عدالت را مدنظر دارد. به همین دلیل نظریه او هم از سوی متفکران لیبرالی که به اصل آزادی اهمیت خاصی می‌دهند و هم متفکران مارکسیستی که خواستار برابری اجتماعی بودند، مورد توجه و تحسین قرار گرفت. او در عین حال که بر مساوات افراد در آزادی‌های بنیادین تأکید می‌کند، نابرابری‌ها را با در نظر گرفتن «خیر عمومی» و رعایت شایسته‌سالاری و به شرطی که به زیان محرومان تمام نشود، مجاز می‌شمارد زیرا به اعتقاد او برابری مطلق انگیزه تحرک و ازدیاد ثروت را از اجتماع می‌گیرد و آن را به واحدی راکد و کسل کننده مبدل می‌سازد.

«نگرش، نظام با دوامی است که شامل؛ یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک عنصر تمایل به عمل است. عنصر شناختی شامل، اعتقاد و باورهای شخص درباره یک شی یا اندیشه است، عنصر احساسی یا عاطفی آن است که معمولاً با باورهای ما پیوند دارد و تمایل به عمل، به آمادگی برای پاسخگویی به شیوه‌ای خاص اطلاق می‌شود» (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۱۷).

آنچه در این تحقیق مورد سنجش قرار می‌گیرد نگرش افراد براساس بعد عاطفی

یعنی ارزیابی مثبت یا منفی دانشجویان نسبت به عدالت اجتماعی است. نگرش به عدالت اجتماعی براساس یک مقیاس ۲۲ گویه‌ای اندازه‌گیری شد. برخی از گویه‌های این متغیر با یک مدرج ۵ درجه‌ای شامل بسیار مخالف، مخالف، تا حدودی، موافق و بسیار موافق سنجیده شده‌اند و نمره‌های ۱ تا ۵ را گرفته‌اند که با ادغام درجه‌های بسیار موافق و موافق در هم از یک سو و ادغام درجه‌های بسیار مخالف و مخالف از سوی دیگر در نهایت مدرجی ۳ درجه‌ای پدید آمد که نمرات ۱ تا ۳ را به خود اختصاص دادند، که برخی از گویه‌ها با این مدرج ۳ درجه‌ای سنجیده شده‌اند. به این ترتیب دامنه تغییرات این متغیر حداقل ۲۲ تا حداکثر ۶۶ بود که تبدیل به سطح سنجش فاصله‌ای می‌شود. نحوه عملیاتی کردن عدالت اجتماعی در جدول ۱ نمایش داده شده است.

متغیر مستقل: نوع دینداری

به لحاظ واژه‌شناسی، دینداری صفت مفهوم دین است و از این نظر نسبی است. یعنی مصداق قطعی و مطلق برای آن نمی‌توان معلوم کرد و به این لحاظ دارای مراتبی است و بین دو وضعیت کمینه و بیشینه جای می‌گیرد. به لحاظ منطقی می‌توان گفت که رابطه این دو واژه به نوعی رابطه مفهوم و مصداق است. دین یک مفهوم کلی و دیندار مصداق و جلوه‌ای از آن است. دینداری، که واحد مشاهده آن در اصل، افراد هستند در واقع تلاش‌های فردی برای درک آن چشمه فیاض و قدسی است. بنابراین دینداری وابستگی تام به دین دارد و فرد دیندار با درجات یا از جهات متفاوت می‌کوشد خود را با یک منبع فیاض که از نظر وی در دین متبلور است، هم ذات گرداند و براین اساس، میزان و جهت همذات‌انگاری فرد با دین مورد نظر وی، دینداری او را روشن می‌سازد (میرسندهی، ۱۳۸۳: ۸۳-۸۵).

جدول ۱- نحوه شاخص سازی مفهوم نگرش به عدالت اجتماعی

مالکیت خصوصی / عمومی	هستی شناختی	نوع نگاه به طبقات پایین و محروم جامعه	نحوه تلقی از محدوده دخالت دولت	نیاز / استحقاق (محوریت نظریه)	آزادی یا برابری (عدالت)	نحوه تلقی از فاصله طبقاتی و اختلاف درآمد	برابری / نابرابری	معرف نگرش عدالت اجتماع ی
تأکید بر مالکیت عمومی	جمع گرایانه (اصالت جامعه)	توجه به طبقات پایین جامعه. دلسوزی و ترحم نسبت به آنها	تأکید بر دخالت زیاد دولت در همه امور و حوزه‌ها (تقسیم امکانات اولیه، برآوردن نیازهای افراد، و ...)	عدم توجه به شایستگی‌های افراد. بازتوزیع ثروت بر اساس اصل برابری و نیاز (از هر کس به اندازه توانایش و به هر کس به اندازه نیازش). نظریه نیاز - محور	اعتقاد به تقدم برابری (عدالت) بر آزادی	مخالفت شدید و رد وجود هر گونه فاصله طبقاتی	برابری در درآمد و برخورداری از امکانات (تحصیلی، بهداشتی، تفریحی و ...)	نگرش سوسیالیستی

۱۰۹ بررسی رابطه نوع دینداری با نگرش ...

نگرش لیبرالیستی	اعتقاد به نابرابری بودن افراد و نابرابری در برخورداری از امکانات. اعتقاد به پرداخت مساوی مالیات در تمام اقتشار.	ضرورت وجود فاصله طبقاتی برای پیشرفت و ترقی جامعه.	تقدم آزادی بر برابری (عدالت) توزیع برابر فرصت‌ها به منظور تحقق شایستگی افراد. نظریه حقوق (استحقاق) محور	خواهان کمترین دخالت دولت خصوصاً در زمینه اقتصاد	عدم توجه به طبقات پایین و محروم جامعه	فردگرایانه (اصالت فرد)	تأکید بر حفظ مالکیت خصوصی و آزادی افراد در ثروت‌اندوزی
--------------------	--	--	---	--	---	------------------------------	--

۱۱۰ فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۰، پاییز ۹۳

نگرش ترکیبی سوسیالیستی ° لیبرالیستی (رالزی)	پذیرش نابرابری در برخورداری از امکانات در حدی که به زیان محرومان نیانجامد. پذیرش اصل برابری منصفانه فرصت‌ها. پذیرش برابری افراد در آزادی و در برابر قانون .	پذیرش فاصله طبقاتی در حدی که برای پیشرفت جامعه ضروری باشد. وضع سیستم مالیاتی تصادفی برای تعدیل شکاف طبقاتی.	توجه همزمان به آزادی و برابری.	توجه به تلاش افراد با رعایت اصل انصاف در مورد دیگران. توزیع ثروت براساس اصل انصاف و تلاش فردی نظریه انصاف محور دخالت محدود (دولت).	دخالت دولت در حد کاهش و تعدیل شکاف طبقاتی، برآوردن ضروریات اولیه افراد (خواهان دخالت محدود دولت).	توجه به طبقات پایین جامعه در برخورداری از امکانات و منتفع ساختن آنها.	فردی ° جمعی	رسیدن به یک عدالت توزیعی بدون الغای مالکیت خصوصی ^۱
--	--	---	---	---	--	---	----------------	---

- گویه‌های عدالت اجتماعی تلفیقی از دو پرسشنامه می باشد. یکی پرسشنامه راسینسکی که برای اولین بار با ساخت مقیاس عدالت اجتماعی بر مبنای چهار مقیاس عدالت شامل عدالت مبتنی بر فرد گرایی اقتصادی، برابری، انصاف و نیاز، انواع نگرش به عدالت اجتماعی را مورد سنجش و ارزیابی قرار داد و این سنجه بارها توسط افرادی از جمله حمید رضا عریضی، حسن حسینی مورد استفاده قرار گرفته و اعتبار آن به اثبات رسیده است و دیگری پرسشنامه خودساخته توسط یکی از دانشجویان دانشگاه تهران (وحیدنیا) که دارای اعتبار سازه که خود مبتنی بر انتظارات نظری است، می باشد.

به طور خلاصه دینداری را می‌توان در دو سطح و دو لایه تقسیم بندی کرد: به لحاظ سطح (طول) دینداری دارای دو هسته مرکزی و پیرامونی است. دینداری مبتنی بر ابعاد اصلی دین در سطح مرکزی (میزان دینداری) و گونه‌های دیگر از دینداری که در مواردی در سطح نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها راجع به دین جای می‌گیرند (انواع دینداری)، لایه‌های پیرامونی دینداری را شکل می‌دهند. از سوی دیگر می‌توان لایه‌های پیرامونی را ضرورت‌های تاریخی ادیان نیز محسوب کرد که با توجه به این امر ابعاد جدیدی در دینداری، حداقل از حیث مواجهه با پرسش‌های معرفت‌شناسانه رقیبان دین و ضرورت‌های تاریخی و توجه به عنصر زمان و مکان اهمیت پیدا کرده‌اند و شرایط متنوعی را نسبت به این حالت جدید مطرح ساخته‌اند (همان: ۱۲۵، ۱۲۶). بنابراین همه افراد برداشت واحدی از دین ندارند بلکه برداشت‌های متفاوت دارند و در نتیجه این برداشت‌ها و نگرش‌ها و طرز تلقی‌ها نسبت به دین، انواعی از دینداری خواهیم داشت (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۲۱۶).

مبحث انواع دینداری و به تعبیر دیگر طرز تلقی نسبت به دین از زوایای گوناگون و از دیدگاه صاحب نظران مختلف مورد بررسی و توضیح قرار گرفته است. از مجموع آن مباحث، گونه‌شناسی ویلیام شپرد که براساس خصوصیات جوامع اسلامی طراحی شده مبنای پژوهش قرار گرفته است. شپرد انواع دینداری در جوامع اسلامی را به دینداری سکولار (افراطی، معتدل)، دینداری تجددگرایانه (انعطاف‌پذیر، افراطی و توجیه‌گرا)، دینداری اسلام‌گرایی رادیکال (با جهت‌گیری بنیادگرایانه)، دینداری سنت‌گرایانه (با جهت‌گیری بنیادگرایانه) که خود به دو نوع طردگرا و همسازگرا قابل تقسیم است و دینداری سنت‌گرایانه جدید (با جهت‌گیری بنیادگرایانه) که این نوع دینداری نیز به دو نوع طردگرا و همسازگرا قابل تقسیم است، طبقه‌بندی نموده است.

منظور از اصطلاح سکولاریسم عبارت است از: اعتقاد به استفاده از هر بینشی به صورت باز و از هر نوع ایدئولوژی سواى اسلام در اکثر عرصه‌های حیات عمومی. افراطی‌ترین شکل سکولاریسم عبارت است از: آن دسته از اندیشه‌ها که درصدد هستند

تا در سراسر عرصه‌های عمومی و خصوصی جایگزین اسلام شوند و به تعبیر دیگر، خواهان حذف دین از تمام عرصه‌های زندگی هستند. البته چنین سکولاریسم افراطی و حداکثری در کشورهای مسلمان غیرمتعارف است. شکل رایج‌تر آن سکولاریسم معتدلی است که در پی تفکیک مذهب از سایر شئون زندگی عمومی است و ضرورتاً غیر مذهبی نیست و به مذهب به عنوان جزئی ضروری از هویت ملی احترام می‌گذارد و حتی می‌تواند همه مراسم عبادی اسلامی را اقامه کند و در زندگی شخصی خود از یک مجموعه اخلاق اسلامی پیروی کند (شپرد، ۱۹۸۷: ۳۰۹-۳۱۱).

تجددگرایان اسلامی معتقدند که اصول اجتماعی اسلامی ظرفیت توسعه و توانایی هم‌عرض با زمان را دارند. این نوع دینداری بعد از سکولاریسم بیشترین نزدیکی را به مدرنیته دارد و انعطاف‌پذیری زیادی برای عقل و اجتهاد و میدان وسیعی برای نظرات انسانی قائل است. به عبارت دیگر در تقابل اسلام و مظاهر مدرن اصالت را به مدرنیته می‌دهد و می‌خواهد اسلام را مدرن کند براین اساس به شدت عقل‌گراست.

اسلام‌گرایان رادیکال معتقدند که اسلام برای تمام ابعاد زندگی اجتماعی مردم برنامه دارد. در مواجهه با مظاهر مدرنیته معتقدند که مدرنیته بایستی اسلامی شود، پس از مدل‌های غربی از آنجا که بتوان آنها را اسلامی نمود استفاده می‌کنند. استفاده از عقل و اجتهاد را در مواردی می‌پذیرند که نص صریح و معتبر درباره آنها وجود نداشته باشد. خواهان اجرای سریع و انقلابی اسلام و در موارد لزوم توأم با خشونت در جامعه هستند. پیشرفت غرب را در جنبه‌های مادی می‌پذیرند ولی اعتقاد دارند که پیشرفت همه جانبه تنها با اسلام امکان‌پذیر است.

سنت‌گرایان کسانی هستند که احساس می‌کنند راه‌های مقبول گذشته برای تغییر کافی است. زمانی که سنت‌گرایی در صدد درگیر شدن عمیق با مسائل غربی می‌شود تبدیل به سنت‌گرایی جدید می‌شود. سنت‌گرایی جدید هم می‌تواند به دو شکل افراطی طردگرا و همسازگرا لحاظ گردد (همان: ۳۱۹).

لازم به یادآوری است که در اینجا انواع فرعی نوع‌شناسی شپرد حذف شده و در

دینداری سکولار نیز فقط ویژگی‌های سکولاریسم معتدل مدنظر قرار گرفته است. برای عملیاتی کردن مفهوم دینداری برای هر کدام از مؤلفه‌های دینداری (نحوه تلقی از ایده پیشرفت در غرب، گرایش این جهانی یا آن جهانی، تأکید بر عمل یا تفکر، نوع تلقی از دین، نحوه مواجهه اسلام با مدرنیته، نحوه تلقی از سنت اسلامی و ...) چهارده سوال پنج گویه‌ای که هر گویه معرف نوع خاصی از دینداری پنج گانه بود، طرح و به پاسخگویان ارائه و از آنها خواسته شد که در هر مورد فقط یکی از گویه‌ها که با نظر آنها بیشتر تطبیق می‌کند را انتخاب نمایند. در هر سوال برای گویه‌های سکولار (نمره یک)، تجددگرا (نمره دو)، اسلام‌گرایی رادیکال (نمره سه)، سنت‌گرایی جدید (نمره چهار)، سنت‌گرایی طردگرا (نمره پنج) در نظر گرفته شد. لذا با جمع نمرات انتخابی از ۱۴ سوال دامنه تغییرات این متغیر از ۱۴ تا ۷۰ خواهد بود و در سطح فاصله‌ای قابل اندازه‌گیری است.

یافته‌ها

به نتایج بدست آمده از پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی اشاره می‌شود. توصیف کلی جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۸۶.۹ درصد پاسخگویان از دانشگاه تهران و ۱۳.۱ از دانشگاه شاهد می‌باشند. از نظر جنس ۴۸.۲ از پاسخگویان زن و ۵۱.۸ از آنان مرد اند. از نظر سن، ۵۵.۲ پاسخگویان در گروه سنی ۱۸ تا ۲۳ ساله قرار دارند ، ۳۵.۹ در گروه سنی ۲۴ تا ۲۹ ساله و ۸.۹ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۳۵ قرار دارند. از نظر تأهل ۸۶.۳ دانشجویان مجرد و ۱۲.۶ درصد متأهل بوده‌اند. از نظر مقطع تحصیلی ۴۲.۷ پاسخگویان در مقطع تحصیلی کارشناسی، ۲۹.۶ در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد و ۲۷.۷ در مقطع تحصیلی دکتری به تحصیل اشتغال دارند.

نگرش به عدالت اجتماعی

مطابق جدول ۲، در دانشگاه شاهد اکثر پاسخگویان یعنی ۲۲ نفر (۴۴ درصد) نگرش‌شان به عدالت اجتماعی سوسیالیستی و کمترین آنها ۸ نفر (۱۶ درصد)، نگرش‌شان به عدالت اجتماعی لیبرالیستی است. همچنین نگرش ۲۰ نفر (۴۰ درصد) به عدالت اجتماعی رالزی است. در دانشگاه تهران اکثر پاسخگویان یعنی ۱۲۴ نفر (۳۷.۳ درصد) نگرش‌شان به عدالت اجتماعی لیبرالیستی و کمترین آنها ۹۸ نفر (۲۹.۵ درصد)، نگرش‌شان به عدالت اجتماعی ترکیبی (رالزی) است. همچنین نگرش ۱۱۰ نفر هم (۳۳.۱ درصد) به عدالت اجتماعی سوسیالیستی است.

جدول ۲- توزیع فراوانی و درصد نمونه برحسب نگرش به عدالت اجتماعی دانشجویان

دانشگاه تهران		دانشگاه شاهد		دانشگاه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	نگرش به عدالت اجتماعی
۳۳.۱	۱۱۰	۴۴	۲۲	نگرش سوسیالیستی
۲۹.۵	۹۸	۴۰	۲۰	نگرش رالزی (دیدگاه ترکیبی)
۳۷.۳	۱۲۴	۱۶	۸	نگرش لیبرالیستی
۱۰۰	۳۳۲	۱۰۰	۵۰	جمع

نوع دینداری

مطابق جدول ۳، در دانشگاه شاهد نوع دینداری اکثر پاسخگویان یعنی ۲۸ نفر (۵۶ درصد) اسلام‌گرایی رادیکال و کمترین آنها ۱ نفر (۲ درصد)، نوع دینداری شان سنت‌گرایی‌تردگرا است. همچنین هیچ پاسخگویی در دانشگاه شاهد دارای دینداری سکولاریستی نبوده است. در دانشگاه تهران نیز اکثر پاسخگویان یعنی ۱۷۸ نفر (۵۳.۶ درصد) نوع دینداری شان اسلام‌گرایی رادیکال و کمترین آنها ۱۱ نفر (۳.۳ درصد)، نوع دینداری شان سکولاریستی معتدل است.

جدول ۳- توزیع فراوانی و درصد نمونه برحسب نوع دینداری دانشجویان

دانشگاه تهران		دانشگاه شاهد		دانشگاه
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	انواع دینداری
۳.۳	۱۱	-	-	دینداری سکولاریسم
۲۹.۲	۹۷	۱۲	۶	دینداری تجددگرایی اسلامی
۵۳.۶	۱۷۸	۵۶	۲۸	دینداری اسلام گرایی رادیکال
۱۳.۹	۴۶	۳۰	۱۵	دینداری سنت گرایی جدید
-	-	۲	۱	دینداری سنت گرایی طردگرا ^۱
۱۰۰	۳۳۲	۱۰۰	۵۰	جمع

نتایج استنباطی

فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد بین نوع دینداری پاسخگویان با نگرش آنها به عدالت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که میانگین نمره نگرش به عدالت اجتماعی در میان دینداری سکولاریسم (برابر با ۴۶.۲۱) و میانگین نمره نگرش به عدالت اجتماعی در میان دینداری سنت‌گرایانه (برابر با ۳۸.۸۸) است، همچنین میانگین نمره نگرش به عدالت اجتماعی در میان دینداری رادیکالیسم اسلامی (برابر با ۴۲.۷۴) است. نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه حاکی از آن است که آماره F برابر $F = ۹.۰۳$ و سطح معنی‌داری برابر با $(sig=۰.۰۰۰)$ محاسبه شده است، از آنجا که سطح معنی‌داری بدست آمده از سطح معنی‌داری مورد نظر ما $(sig = ۰.۰۵)$ کوچکتر است، فرضیه صفر رد شده

- با توجه به این که سنت‌گرایی و سکولاریسم دارای فراوانی کم بود و قابل مقایسه با سایر گروه‌ها نبود، لذا در آزمون‌های آماری به ترتیب با سنت‌گرایی جدید و تجددگرایی تلفیق شد.

و فرضیه اصلی تأیید می‌شود. بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان گفت که بین نگرش به عدالت اجتماعی دانشجویان و نوع دینداری آنها به لحاظ آماری تفاوت وجود دارد.

جدول ۴- توصیف آماری نگرش به عدالت اجتماعی پاسخگویان بر حسب انواع دینداری

انواع دینداری	تعداد	میانگین	مقدار F	سطح معنی داری
دینداری سکولار/ تجددگرا ^۱	۱۱۴	۴۶.۲۱	۹.۰۳	۰.۰۰۰
دینداری رادیکالیسم اسلامی	۲۰۶	۴۲.۷۴		
دینداری سنت‌گرایانه	۶۲	۳۸.۸۸		
جمع	۳۸۲	۴۳.۱۵		

استفاده از آزمون‌های شفه و L.S.D در این باره بیانگر آن است که کسانی که نوع دینداری‌شان سکولار/ تجددگرا است به طور معناداری در مقایسه با کسانی که دینداری‌شان رادیکالی (sig = ۰.۰۲) و سنت‌گرایانه (sig = ۰.۰۰۰) است نگرش لیبرالی تری به عدالت اجتماعی دارند. در حالی که کسانی که دینداری‌شان سنت‌گرایانه است نگرش‌شان به عدالت اجتماعی سوسیالیستی‌تر است. با توجه به این نتایج می‌توان گفت که میانگین نمره نگرش به عدالت اجتماعی دینداری سکولار/ تجددگرا در مقایسه با دینداری رادیکالیسم برابر با ۳.۴۶، و در مقایسه با دینداری سنت‌گرایانه برابر با ۷.۳۲- است. همچنین میانگین نمره نگرش به عدالت اجتماعی دینداری رادیکالیسم در مقایسه با دینداری سنت‌گرایانه برابر با ۳.۸۵ است.

- از آنجایی که تعداد دینداری سکولار بسیار اندک بوده و از طرف دیگر دینداری تجددگرا به سکولاریسم نزدیک می‌شود، دینداری تجددگرا با دینداری سکولاریستی معتدل تلفیق گردید.

جدول ۵- نتایج آزمون شفه و L.S.D پیرامون نگرش به عدالت اجتماعی و انواع دینداری

دینداری	دینداری	دینداری	انواع دینداری	آزمون‌های پسین
دینداری سنت‌گرایانه	رادیکالیسم	سکولار/تجددگرا	دینداری سکولار/ تجددگرا	آزمون Scheffe
sig = ۰.۰۰	S = ۰.۰۲	-	دینداری رادیکالیسم	
sig = ۰.۰۵	-	M = ۳.۴۶	دینداری سنت‌گرایانه	
-	M = ۳.۸۵	M = -۷.۳۲	دینداری سکولار/ تجددگرا	آزمون L.S.D
sig = ۰.۰۰۰	sig = ۰.۰۰۸	-	دینداری رادیکالیسم	
sig = ۰.۰۱	-	M = ۳.۴۶	دینداری سنت‌گرایانه	
-	M = ۳.۸۵	M = -۷.۳۲		

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین جنس پاسخگویان با نگرش آنها به عدالت اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد میانگین نمره نگرش زنان به عدالت اجتماعی ۳۷.۸۰ و میانگین نمره نگرش مردان به عدالت اجتماعی ۴۸.۱۱ است. نتایج آزمون t حاکی از آن است که میان نگرش زنان و مردان به عدالت اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد به طوری که نگرش زنان به عدالت اجتماعی سوسیالیستی‌تر از مردان است.

جدول ۷- نتایج آزمون t دو نمونه مستقل پیرامون نگرش به عدالت اجتماعی بر حسب جنس

درجه آزادی (df)	Sig (سطح معناداری)	آزمون T دو نمونه مستقل	خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	نگرش به عدالت اجتماعی
۳۷۹.۲	۰.۰۰۰	-۹.۹۹	۰.۶۹	۹.۴۸	۳۷.۸۰	۱۸۴	زن

مرد	۱۹۸	۴۸.۱۱	۱۰.۶۶	۰.۷۵		۸
-----	-----	-------	-------	------	--	---

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین سن دانشجویان و نگرش آنها به عدالت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج بدست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر سن با نگرش به عدالت اجتماعی حاکی از آن است که بین نگرش دانشجویان به عدالت اجتماعی بر حسب سن شان رابطه معنی داری وجود دارد به طوری که هر چه سن افراد بالاتر می‌رود نگرش آنها به عدالت اجتماعی لیبرالیستی‌تر می‌شود و با کاهش سن، انتظار می‌رود نگرش آنها سوسیالیستی‌تر شود.

جدول ۷- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سن با نگرش به عدالت اجتماعی

نگرش به عدالت اجتماعی / سن	آزمون آماری
۰.۱۰	ضریب همبستگی پیرسون
۰.۰۵	سطح معناداری
۳۸۲	تعداد معتبر

رگرسیون چند متغیره

در بررسی روابط آماری فرضیات مختلف تحقیق، متغیرها به صورت دو به دو مورد تحلیل قرار گرفتند. برای مطالعه تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. در این تحلیل از روش همزمان (Enter) کمک گرفته شد. نتایج بدست آمده از این قرارند:

- ضریب تعیین (R^2): در این مطالعه ضریب تعیین ۰.۰۴۵ است. این یافته بدین معناست که متغیرهای وارد شده به معادله تنها توانسته‌اند ۰.۰۴۵ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند.

- ضریب تعیین تعدیل یافته ($adjR^2$): این ضریب مربع همبستگی تعدیل شده را

بررسی رابطه نوع دینداری با نگرش ... ۱۱۹

نشان می‌دهد که در این تحقیق 0.043 است. این معیار نسبت به R^2 حقیقی‌تر است؛ زیرا الزماً با افزایش تعداد متغیرهای مستقل افزایش نمی‌یابد، در حالی که مقدار R^2 تابع تعداد متغیرهای مستقل مدل است.

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول ۸، در بررسی متغیرهای تحقیق و تبیین میزان تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از طریق رگرسیون، می‌توان عنوان کرد که از میان عوامل مهم و تأثیرگذار در این تحقیق، عامل نوع دینداری بیشترین تأثیر را نسبت به متغیر سن بر نگرش به عدالت اجتماعی دارد و بهتر می‌تواند نگرش به عدالت اجتماعی را تبیین کند. جدول زیر نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون و تبیین نوسانات متغیر وابسته را بر حسب متغیرهای مستقل نشان می‌دهد.

جدول ۸- نتایج آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل مؤثر بر نگرش به عدالت اجتماعی

Method= Enter	روش ورود متغیرها: همزمان (اجباری)
R= ۰.۲۱	ضریب همبستگی چند گانه
$R^2= 0.045$	ضریب تعیین
$R^2_{adj.}= 0.043$	ضریب تعیین تعدیل یافته
S.E = ۱۱.۰۶	خطای معیار
ANOVA = ۱۰.۶۱	تحلیل واریانس
Sig = ۰.۰۰۰	سطح معناداری

جدول ۹- ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل مؤثر بر نگرش به عدالت اجتماعی

Sig	t	S.E	Beta	b	متغیرهای مستقل
۰.۰۰۰	۱۱.۹۵	۳.۶۹	-	۴۴.۱۷	مقدار ثابت
۰.۰۰۰	۴.۱۴۷	۰.۸۵	- ۰.۲۰۸	- ۳.۵۳	متغیر نوع دینداری

متغیر سن	۰.۲۳	۰.۰۸۸	۰.۱۳	۱.۷۴	۰.۰۸۱
----------	------	-------	------	------	-------

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج بدست آمده در مجموع ملاحظه گردید که از لحاظ نگرش به عدالت اجتماعی، نگرش دانشجویان دانشگاه تهران به عدالت اجتماعی، لیبرالیستی‌تر از دانشجویان دانشگاه شاهد به عدالت اجتماعی است. با توجه به این که در دانشگاه شاهد گزینش وجود دارد و افراد بر حسب فاکتورهایی از جمله دینداری، مصاحبه، آزمون کتبی و ... در دانشگاه پذیرش می‌شوند لذا احتمالاً به همین دلیل نگرش آنها به عدالت اجتماعی سوسیالیستی‌تر است ولی از آنجایی که در دانشگاه تهران افراد از لحاظ پذیرش در دانشگاه آزادی بیشتر و محدودیت کمتری دارند احتمالاً به همین دلیل نگرش آنها بیشتر به سمت لیبرالیستی و فردگرایی سوق پیدا می‌کند.

همچنین نتایج بیانگر این است که نوع دینداری دانشجویان به عنوان یک نظام ارزشی اصلی در جامعه، در نگرش آنها به عدالت اجتماعی مؤثر است. بررسی‌های آماری نشان داد که نگرش دینداران سکولار/تجددگرا به عدالت اجتماعی نسبت به سایر انواع دینداری، لیبرالی‌تر بوده در مقابل نگرش دینداری سنت‌گرایانه به عدالت اجتماعی نسبت به سایر انواع دینداری سوسیالیستی‌تر است. بر طبق نظریه رالز و کانت عدالت و دین امری فردی و عقلانی اند همانطور که در اینجا هم دیده می‌شود کسانی که دینداری شان سکولار/تجددگرا بوده و بیشتر پایبند اصول عقلانی هستند و معتقدند که دین را نباید در حوزه‌های مختلف وارد کرد و همچنین دین را یک امر فردی می‌دانند دیدگاه‌شان به عدالت اجتماعی لیبرالیستی است، یعنی طرفدار تخصیص و توزیع منابع و امکانات مطابق با ارزش‌های فردگرایی و توجه به شایستگی و استحقاق افرادند. اما کسانی که دینداری سنت‌گرایانه دارند و می‌خواهند دین در همه جا حضور پررنگ داشته باشد و فقط به دین توجه می‌کنند دیدگاه‌شان به عدالت اجتماعی بیشتر سوسیالیستی است، یعنی عدالت اجتماعی را امری جمعی دانسته و خواستار توزیع برابر امکانات می‌باشند. همین تفاوت را می‌توان در تحقیق علیخواه نیز مشاهده نمود

(علیخواه، ۱۳۷۸). در اینجا نیز بین میزان بنیادگرایی دینی و گرایش به عدالت و آزادی تفاوت معنادار وجود دارد. یعنی هر چه میزان بنیادگرایی (سنت‌گرایی) فرد افزایش یابد گرایش او به عدالت و آزادی کمتر می‌شود.

با توجه به نظریه محرومیت و این که در جامعه ما نگرش مرد سالارانه حاکم است و زنان محروم‌تر از مردان هستند و مورد تبعیض جنسیتی قرار می‌گیرند لذا احتمالاً بیشتر از مردان به دیدگاه برابری خواهی تمایل دارند به همین دلیل بین جنس و نگرش به عدالت اجتماعی رابطه معناداری یافت شد. شبیه همین نتیجه یعنی تفاوت زنان و مردان در نگرش به عدالت اجتماعی را می‌توان در تحقیقات دیگر نیز مشاهده کرد (نک : حسینی، ۱۳۸۶). نتایج، معنادار بودن رابطه بین نگرش دانشجویان به عدالت اجتماعی بر حسب سن‌شان را نشان می‌دهد. بطوری که با بالاتر رفتن سن افراد نگرش آنها به عدالت اجتماعی لیبرالیستی‌تر می‌شود و با کاهش سن، انتظار می‌رود نگرش سوسیالیستی‌تر در آنها پدیدار شود. زیرا احتمالاً افراد در سنین پایین‌تر نگرش‌های احساسی‌تر و در سنین بالاتر نگرش‌های متعادل‌تر و عقلانی‌تری نسبت به مسائل اجتماعی دارند و بیشتر به دنبال منافع خودشان هستند، همانطور که در دیدگاه لیبرالیستی چنین نگرشی وجود دارد. همین رابطه در تحقیق حسینی نیز بین سن و نگرش به عدالت اجتماعی بدست آمده است. همچنین در تحقیق رابینسون و بل نیز رابطه معناداری بین سن و عدالت اجتماعی بدست آمده بطوری که سن با درک سوسیالیستی از عدالت اجتماعی رابطه معکوس دارد (میرسندسی، ۱۳۷۵: ۱۴۹-۵۰).

در جامعه ما دین مقدم بر عدالت است و منبع اخلاق و ارزش‌هاست لذا عدالت سرچشمه الهی داشته و در چارچوب دین و شریعت اسلامی قابل تعریف است. بر این اساس با توسل به نظریه‌های مدرن عدالت نمی‌توان عدالت مورد نظر نظام اقتصادی اسلام را محقق ساخت اما شاید نگرش به عدالت اجتماعی در بعضی از قرائت‌های دینی همپوشی زیادی با نظریه‌های مدرن عدالت داشته باشد به همین دلیل بهتر است نظریه‌ای در باب عدالت توسط متخصصان حوزوی و دانشگاهی جامعه ساخته شود که

با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه ما همخوانی داشته باشد تا از این طریق بتوان با برنامه‌ریزی‌های بهتر به تحقق عدالت اجتماعی و پیشرفت دست یافت. همچنین برای آنکه نظریه عدالت بتواند سرمشق و راهنمای نظام سیاسی قرار گیرد و در عمل با توفیق همراه شود، به مفاهیم توافقی ذهنی و هنجاری مردم یا همراهی بدنه اجتماع در درک از عدالت نیاز است. لذا به تحقیقات تجربی بیشتر در این زمینه در سطح جامعه نیاز است تا صاحب نظران و سیاست‌گذاران به دیدگاه‌های مردم و نه صرفاً دانشجویان دست یافته و بتوانند راهبرد عدالت در جامعه ایران را بر پایه این دو پشتوانه نظری و نگرش‌های مردمی، تدوین نمایند.

منابع

- تیندر، گلن. (۱۳۷۴)، *تفکر سیاسی*، ترجمه: محمود صدری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- حسینی، سید حسن. (۱۳۸۶)، رابطه برخورداری از انواع سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی) و نوع نگرش به عدالت اجتماعی، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۴ و دوم.
- حبیب زاده خطبه سرا. (۱۳۸۴)، بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، *پایان نامه کارشناسی ارشد*.
- حقیقت، سید صادق. (۱۳۷۶)، اصول عدالت سیاسی، *فصلنامه نقد و نظر* سال سوم، شماره دو و سه.
- د و اس، دی.ای. (۱۳۷۶)، *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
- دیرباز، عسکر؛ مهری، هژیر. (۱۳۸۹)، نسبت نظریه عدالت جان رالز با فلسفه اخلاق کانت و فلسفه حق هگل، *الهیات تطبیقی، (پژوهشی علمی)*، سال اول، شماره چهارم.

بررسی رابطه نوع دینداری با نگرش ... ۱۲۳

- ذوالفقاری، ابوالفضل. (۱۳۸۹)، *دین و دموکراسی*، تهران: امیدان.
- رالز، جان. (۱۳۸۳)، *عدالت به مثابه انصاف: یک بازگویی*، ترجمه: عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- سرایی، حسن. (۱۳۷۲)، *مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری*، تهران: انتشارات سمت.
- علیخواه، فردین. (۱۳۷۸)، *قشر اجتماعی و گرایش به عدالت و آزادی*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد* جامعه‌شناسی.
- عیوضلو، حسین. (۱۳۸۹)، *مروری بر معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در تطبیق با چارچوب شریعت اسلام، دو فصلنامه علمی- تخصصی مطالعات اقتصاد اسلامی*، سال دوم، شماره دوم،
- کانت، امانوئل. (۱۳۷۴)، *دین طبیعی*، ترجمه: منوچهر صانعی دره بیدی، تهران: نشر ارغنون.
- کریمی، یوسف، (۱۳۷۳)، *نگرش و تغییر نگرش*، نشر مؤسسه ویرایش، چاپ اول.
- گنجی، اکبر. (۱۳۹۱)، *روشنفکری دینی و مسأله نابرابری و فقر*، منبع رادیو زمانه. ۱۳۹۱/۶/۱۱، به آدرس سایت: advertlsement@gooya.com
- محبی، اکرم. (۱۳۹۰)، *بررسی رابطه انواع دینداری و میزان اخلاق کار*، تهران: دانشگاه شاهد. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد* جامعه‌شناسی.
- میرسندسی، سید محمد. (۱۳۷۵)، *عوامل موثر بر درک مردم از عدالت و رابطه آن با برابری (نابرابری)*، «مطالعه موردی شهر مشهد»، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد* جامعه‌شناسی.
- میرسندسی، محمد. (۱۳۸۳)، «میزان و انواع دینداری دانشجویان»، *پایان‌نامه دکتری* رشته جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ناقد، خسرو. (۱۳۸۶)، نکاتی پیرامون مفهوم عدالت، *روزنامه اعتماد*، هشتم بهمن

ماه، شماره: ۱۶۰۱.

- ویر، ماکس. (۱۳۸۱)، *اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری*، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- وحیدنیا، آزاده. (۱۳۸۸)، عوامل اجتماعی موثر بر درک از عدالت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تهران، تهران: دانشگاه تهران، دانشکده علوم انسانی، *پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی*.
- هزار جریبی، جعفر. (۱۳۹۰)، بررسی حساس عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن مطالعه موردی شهر تهران، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، شماره پیاپی چهل و سوم، شماره سوم.
- همیلتون، ملکلم. (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: تبیان.
- Graham, Gordon. (۱۹۸۸). *Contemporary Social Philosophy*. Oxford: Blackwell.
- Kolm, S. C. (۱۹۹۶). *Modern Theoris Of Justice The MIT Press*.
- Murnion, W. (۱۹۸۹). "The Ideology of Sourl Justice in Economic Justice for all". *Journal Of Business ethics*, ۷۸.
- Rasinski, K. A. (۱۹۸۷). What is Fair is Fiar - or ° is it? *Journal of Presoality and Social Psychology*. No. ۵۳. pp. ۲۰۱- ۲۱۱.
- Shepard, E.William. (۱۹۸۷). Islam and Ideology: Towards a typology International. *Journal of Middle East Studies*. Vol. ۱۹.
- Shepard, E.William . (۲۰۰۴). *The Diversity Thought : Towards a*

۱۲۵ بررسی رابطه نوع دینداری با نگرش ...

typology in Islamic Thought in the Twentieth century, edited by
SuhaTaji ° Faruki and BasheerM.Nak , I.B. Towris.

– Silver, M. (۱۹۸۹). *Foundations of Economics Justice*, Basil Blackwell.

